



Iranian Independent Islamic Human Rights Commission
کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران
لجنة حقوق الانسان الاسلاميه في ايران



انتقاداتی بر رویکرد ترامپ در قبال مقوله جنس و جنسیت با عنوان مقابله با «افراط‌گرایی ایدئولوژی جنسیتی»

امور پژوهشی، آموزشی و ترویجی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران

بهار ۱۴۰۴

توضیحات مقدماتی کمیسیون:

در جهان کنونی موضوع جنس و جنسیت یکی از مباحث جدی در حوزه مطالعات زنان است. در این خصوص گرایشهای فکری مختلف وجود دارد و هر یک نقدهای اساسی را علیه دیدگاه مقابل خود مطرح می کنند. این بحثها در جامعه آمریکا نیز به طور گسترده جریان دارد چرا که هم جامعه آمریکا از گرایشهای سنتی و دینی برخوردار است و هم جریانهای فمینیست سکولار و رادیکال یا جریانهای ساختارشکن از حیث هویت جنسی را درون خود دارد که چه بسا منشا الهام برای همتایان خود در دیگر کشورها نیز هستند. برخی از منتقدان جریانهای فمینیست رادیکال یا ساختارشکنان در حوزه هویت جنسی بر این باورند که آنها به نام آزادی و یا حق بر بدن و عناوین مشابه دیگر بدترین ضربات را به هویت انسانی وارد ساخته و موجب شده اند که بسیاری از افراد در پرتو تبلیغات شرکتها و موسساتی که منافع مادی خود را پیگیری می کنند، در پی تغییر مداوم هویت جنسی خود بر آیند و هیچگاه به وضعیت مطلوب نائل نیایند و بعد از تحمل صدمات گوناگون متوجه شوند که راه نادرستی را طی کرده و باید با رعایت سلامتی و کرامت خویش اسیر موجهای گوناگون نمی شدند. متقابلاً، جریانهای مذکور منتقدان خود را با عناوینی چون بی توجه به پیشرفت های علمی و یا حرکت کننده در مسیر تعصب و دیدگاههای متصلب متهم می کنند.

نوشتار حاضر اگرچه در قالب مجموعه ای از مقالات انتقادی منتشره در سطح جهانی ناظر به ارزیابی عملکرد صد روزه ترامپ از منظر حقوق بشر انتخاب شد تا به فارسی برگردان شود اما به روشنی مشخص است که نویسنده از منتقدان تقسیم بندی سنتی جنس انسانها و هم معنا دانستن جنس و جنسیت است. نویسنده بر این باور است که عملکرد ترامپ به نام مقابله با ایدئولوژیهای افراطی در حوزه جنسیت در واقع تلاش دارد تا دیدگاههای ماقبل دوره جنبش های فمینیستی را تثبیت کند. همین ویژگی نویسنده، اقتضا می کند که مخاطب فارسی زبان خواننده نوشتار وی، فراتر از موضوع انتقادات از ترامپ، مطالعات خود را در حوزه ادعاهای نظری نویسنده توسعه دهد تا گزاره های اعلامی وی علیه زیست گرایی یا تعریف و تمجیدی که از جنبش های فمینیستی و دستاوردهای آن ارائه کرده را بدون ارزیابی دقیق علمی و توجه به مناقشات و مباحث ذریبط از نظر نگذراند. در خصوص جنس و جنسیت، مطالعات گسترده ای انجام شده و در دسترس است، بر همین اساس، هر علاقمند به موضوع می تواند با اندکی پیگیری، آگاهی های خود را از جهات مختلف توسعه دهد و در نهایت آنچه را عالمانه و منطبق با حقوق انسانی می یابد، برگزیند. هم چنین باید توجه داشت که برخی محورهای مورد انتقاد نویسنده این نوشتار، اتفاقاً برای برخی از مردم آمریکا آن چنان مهم بوده که به همین خاطر به ترامپ رای داده اند و او را فرد منتخب خود معرفی کرده اند. به همین منوال احتمالاً در دیگر کشورها نیز کم نیستند افرادی که با رویکرد فکری مورد ادعای ترامپ همراهی دارند حتی اگر در سایر موارد منتقد و مخالف ترامپ باشند.

به هر حال، بدون هر گونه ورود محتوایی بیشتر در خصوص دیدگاههای مطرح شده در این نوشتار، صرفاً جهت اطلاع مخاطبان علاقمند به دیدگاههای فراملی مطرح شده در حوزه ارزیابی عملکرد ترامپ از منظر حقوق بشر، این نوشتار تقدیم فارسی زبانان میشود. ضمناً عنوان نوشتار در برگردان فارسی قدری با عنوان انگلیسی متفاوت شد تا خلاصه تر و قابل فهم تر باشد.

امید است ارتقای آگاهی های عمومی، موجب تقویت اراده و عزم دفاع از حقوق انسانی و تلاشگری جدی تر در این زمینه گردد.

- ◆ نویسنده: خانم دکتر اینا سیتالر، دانشیار و مدیر مطالعات زنان و جنسیت، دانشگاه کوستال کارولینا، ایالات متحده آمریکا
- ◆ برگردان فارسی: فاطمه رحمانی دانش آموخته کارشناسی ارشد حقوق بشر و همیار کمیسیون، ویرایش و نهایی سازی متن در امور پژوهشی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران، اردیبهشت ۱۴۰۴
- ◆ مآخذ: سایت Theconversation.com، مورخ ۲۹ آوریل ۲۰۲۵

متن مقاله:

دولت ترامپ مدعی است که در حال مبارزه با «افراط‌گرایی در ایدئولوژی جنسیتی» و «بازگرداندن حقیقت بیولوژیکی» در ایالات متحده است.

در فرمان اجرایی ژانویه ۲۰۲۵، رئیس‌جمهور دونالد ترامپ اعلام کرد که تنها دو جنسیت وجود دارد - مرد و زن - و هر کس که باور دیگری دارد، (به نوعی) واقعیت بیولوژیکی جنسیت را نادیده می‌گیرد.

اما من به عنوان یک محقق در زمینه مطالعات جنسیت می‌دانم که علم واقعاً درباره جنس و جنسیت چه می‌گوید. بیشتر پژوهشگران در این حوزه، و همچنین در رشته‌هایی مانند جامعه‌شناسی و زیست‌شناسی، بر این باورند که جنس بیولوژیکی بسیار پیچیده‌تر از تنها دو نوع مرد و زن است. تنوع جنسی در تمامی گونه‌های حیوانات، از جمله انسان، مشاهده شده است.

ادعای ترامپ در این باره خود نوعی «ایدئولوژی» درباره جنسیت است - به معنای مجموعه‌ای از باورها و ارزش‌ها درباره جنسیت.

جنس و جنسیت با یکدیگر یکسان نیستند

کارشناسان در بسیاری از رشته‌ها نشان داده‌اند که تفاوت‌هایی میان جنس و جنسیت وجود دارد. جنس به ویژگی‌های فیزیکی بدن مانند ارگان‌های جنسی، هورمون‌ها و کروموزوم‌ها اشاره دارد، درحالی‌که جنسیت مجموعه‌ای است از هنجارها، نقش‌ها، رفتارها و انتظاراتی که افراد بر اساس فرهنگی که در آن زندگی می‌کنند، موظف به رعایت آن‌ها هستند. بنابراین، جنسیت یک ساختار اجتماعی است؛ به این معنا که براساس باورها و نقش‌هایی که در فرهنگ و جامعه وجود دارد، تعریف می‌شود. به عبارتی دیگر، جنسیت صرفاً تابعی از بیولوژی نیست، بلکه حس درونی افراد نسبت به نقش‌های مردانه، زنانه یا جایی در میان این دو، «هویت جنسیتی» نامیده می‌شود.

راه‌های زیادی وجود دارد که در آن‌ها، تفاوت میان جنس و جنسیت اهمیت خود را نشان می‌دهد.

(به عنوان مثال) بر اساس تخمین‌های سازمان ملل متحد، حدود ۱,۷ درصد از جمعیت جهان افراد اینترسکس/بیناجنسی هستند، یعنی بدن‌های این افراد از نظر ترکیب کروموزوم‌ها، هورمون‌ها و اندام‌های جنسی‌شان متفاوت از ترکیب‌های معمول تلقی شده است.

مدافعان حقوق افراد اینترسکس/بیناجنسی مدت‌ها است که خواستار درمان‌های پزشکی متناسب با واقعیت بدن این افراد و نه براساس انتظارات رایج درباره بدن انسان، شده‌اند. آگاهی و پذیرش تنوع در جنسیت و هویت جنسی می‌تواند به میزان قابل توجهی انگ اجتماعی و آسیب‌های روانی ناشی از برچسب‌زنی به این گروه افراد را کاهش دهد.

در دنیای حیوانات، نمونه‌هایی وجود دارد که نشان می‌دهد بعضی حیوانات ویژگی‌هایی دارند که باورهای سنتی و اجتماعی درباره جنس مذکر یا مونث را زیر سوال می‌برند. مثلاً، گفتارهای خالدار ماده، آلت تناسلی [همانند جنس مذکر] دارند. اسب‌های دریایی مذکر، باردار می‌شوند.

مدت‌ها زمان برد تا زیست‌شناسان بفهمند که برخی حیوانات نر، رفتارهایی دارند که تصورات مرسوم اجتماعی درباره مردانگی را دچار تزلزل می‌کند. اما پس از این کشف، نگاه‌های نو و جدیدی نسبت به پیچیدگی فرآیندهای تکاملی شکل گرفت.

با برجسب زدن مفهوم هویت جنسیتی به عنوان «ایدئولوژی»، دولت ترامپ عملاً تمام افراد -به ویژه افراد تراجنسیتی و غیرباینری [غیر دوگانه، غیر دو جنس مرد یا زن]- را به مجموعه‌ای از باورها تقلیل داده است و هویت‌های پیچیده انسانی آن‌ها را نادیده گرفته است.

دلیل واقعی مفهوم «ایدئولوژی جنسیتی» چیست؟

دستور اجرایی ترامپ در رابطه با هویت جنسی، بر پایه نوعی نگرش به نام «جبرگرایی زیستی» استوار است که معتقد می‌باشد انسان‌ها تنها دو جنسیت دارند و جنس نسبت داده شده در بدو تولد، نقش و جایگاه فرد در جامعه را به صورت همیشگی و قطعی تعیین می‌کند.

این ایدئولوژی، تحقیقات و داده‌هایی را نادیده می‌گیرد که پیچیدگی‌ها و تنوع‌های انسانی در زمینه هویت و جنسیت را نشان می‌دهند. چنین دیدگاهی می‌تواند پیامدهای اجتماعی جدی و منفی داشته باشد.

از آنجا که پیروان جبرگرایی زیستی، تصور می‌کنند که جنسیت و جنس کاملاً یک مقوله هستند، اغلب خواهان ممنوعیت داروهای بلوغ، هورمون‌درمانی و سایر مراقبت‌های بهداشتی و درمان مرتبط با تأیید هویت جنسیتی برای نوجوانان ترنس هستند. این درمان‌ها، در بسیاری موارد، اهمیت زیادی دارند و حتی گاهی نجات‌بخش جان افراد هستند؛ اما دولت ترامپ و دیگر طرف‌داران این ایدئولوژی، آن‌ها را نوعی سوء عملکرد پزشکی می‌دانند.

این فرمان اجرایی همچنین ادعا می‌کند که اعمال تفکیک سفت و سخت زن و مرد، زنان و دختران را در امان نگه می‌دارد، زیرا وقتی به افراد تراجنسیتی اجازه استفاده از حمام‌ها و پناهگاه‌های خشونت خانگی داده می‌شود، این مکان‌ها برای زنان خطرناک می‌شوند.

تحقیقات مکرر نشان داده است که این تصور نادرست است. مشکل حریم خصوصی و امنیت فرد، پس از به رسمیت شناختن حقوق افراد ترنس در نظام قانونی، افزایش نیافته است. شواهدی وجود ندارد که نشان دهد زنان سیسجندر - یعنی آن‌هایی که در بدو تولد منتسب به جنسیت «زن» بوده‌اند - باید از ترس آسیب یا خشونت مقابل زنان ترنس بترسند یا ایمنی‌شان تهدید شود. [به عبارت دیگر، نگرانی‌های مربوط به امنیت یا حقوق زنان سیسجندر در برابر زنان ترنس فاقد پایه علمی و منطقی است].

زیست‌گرایی، سرنوشت انسان نیست

بخش زیادی از تحقیقات من بر روی این موضوع متمرکز است که چگونه جوامعی که بر پایه جبرگرایی زیستی ساخته شده‌اند، اغلب مردسالار هستند. این جوامع به طور عمده توسط مردان و برای منافع آنان طراحی شده است و بیشتر جایگاه‌های قدرت و موقعیت‌های مهم در اختیار مردان قرار دارد. کشورهای مردسالار، از جمله ایالات متحده، مردانگی معمولاً بر زن‌گرایی ترجیح داده می‌شود. رهبران سیاسی و مذهبی، رسانه‌ها و هنجارهای اجتماعی، مدام نشان می‌دهند که زنان ضعیف‌تر و احساساتی‌تر از مردان هستند، لذا برای امور مراقبت از دیگران مناسب‌ترند. در نتیجه، زنان را به عنوان رهبران کم‌کارآمدتر نسبت به مردان تصویر می‌کنند.

در تاریخ جوامع مردسالار محدودیت‌های زیادی برای حوزه اثرگذاری زنان قائل بوده‌اند و اغلب، زن‌ها را به محیط خانواده محدود می‌کردند. این محدودیت‌ها باعث شده زنان نتوانند دسترسی گسترده‌ای به موقعیت‌های اقتصادی، دینی و سیاسی داشته باشند و بنابراین در بسیاری از این حوزه‌ها موفق نباشند. این قلمروها تنها چند نمونه از انواع محدودیت‌ها هستند.

فمینیست‌های آمریکایی در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ به این ایده که بدن یک فرد باید تعیین کند که او چه کاری می‌تواند و چه کاری نمی‌تواند با زندگی خود انجام دهد، اعتراض کردند. در آن زمان، باورهای مردسالارانه مشارکت زنان در برخی ورزش‌ها - مانند حضور در دومیدانی ماراتن - و مشاغل را محدود می‌کرد، و ورود به زمینه‌هایی مانند وکالت و جراحی اساساً ممنوع بود.

زنان در ایالات متحده در بخش زیادی از قرن بیستم، همچنین از حق کامل بر بدن خود محروم بودند؛ دسترسی به روش‌های جلوگیری از بارداری محدود بود و سقط جنین در بسیاری از ایالت‌ها غیرقانونی تلقی می‌شد.

تا دهه ۱۹۸۰، زنان توانستند بخش عمده‌ای از جامعه آمریکا را قانع کنند که توانایی‌های‌شان مانند مردان است و باید از حقوق یکسان برخوردار باشند و تا اوایل دهه ۲۰۰۰، در زمینه‌هایی مانند تحصیلات، انتخاب شغل و آزادی‌های باروری، پیشرفت‌های چشمگیری داشتند.

در دهه ۲۰۱۰، افراد ترنس هم در مسیر پیشرفت قرار گرفتند و توانستند در دستیابی به حقوق و فرصت‌های برابر، گام‌های قابل توجهی بردارند.

بازگشت به گذشته

هم‌زمان با تداوم سیاست‌های دولت ترامپ در تفسیر ساده‌انگارانه از تفاوت‌های جنسیتی و جنسی، بحث‌های عمومی درباره حقوق اساسی اجتماعی و سیاسی زنان و اقلیت‌های جنسیتی مجدداً شکل گرفته است.

قوانینی در سطح ایالتی و فدرال تصویب شده که زنان ورزشکار ترنسجندر/ تراجنسیتی را از شرکت در ورزش منع می‌کنند، لوایحی که شناسایی تراجنسیتی بودن را جرم تلقی می‌کنند و چالش‌هایی برای زنان جهت خدمت در نقش‌های رزمی و جنگی در ارتش ایالات متحده، به وجود آورده اند.

در سال ۱۹۷۳، حق سقط جنین به عنوان یک حق مربوط به قانون اساسی تثبیت شد، اما در سال ۲۰۲۲، این حمایت قانونی سلب شد. اکنون در دوازده ایالت، سقط جنین غیرقانونی است و در ایالت‌های دیگر، محدودیت‌های شدیدی برای دستیابی به فرایند زیربط اعمال شده است.

برای اجرای فرمان اجرایی «ایدئولوژی جنسیتی» ترامپ، وزارت امور کهنه سربازان [نهاد مربوط به امور بازنشستگی نیروهای مسلح] در حال حذف تدریجی مراقبت‌های بهداشتی جنسیت‌محور است. مراکز کنترل و پیشگیری بیماری‌ها هم موقتاً داده‌های مربوط به سلامت زنان را حذف کرده‌اند؛ داده‌هایی که در افزایش آگاهی عمومی و تحقیقات پی‌درپی درباره جنبه‌های مختلف سلامت زنان، مانند روش‌های مطمئن جلوگیری از بارداری، نقش مهمی داشتند.

سیاست‌ها و ایده‌های دولت [ترامپ] در یک ایدئولوژی جنسیتی ریشه دوانده است که به پیش از جنبش فمینیستی اواسط قرن بیستم برمی‌گردد.

وقتی در جریان رسیدگی به دعاوی مربوط به مغایرت فرمان اجرایی ترامپ با قانون اساسی، از وکلای دولت ترامپ پرسیده شد که منظور دولت از عبارت «ایدئولوژی جنسیتی رادیکال» دقیقاً چیست، بارها و بارها در تعریف آن شکست خوردند. یکی از وکلا، زمانی که قاضی از او خواست مفهوم این اصطلاح را شرح دهد، یکی از وکلا، وقتی قاضی از او خواست، در خصوص مفهوم مذکور توضیح دهد، پاسخ داد که «از گمانه‌زنی» در مورد منظور رئیس‌جمهور از این عبارت اکراه دارد.

به نظر من، ناتوانی دولت [ترامپ] در تعریف «ایدئولوژی جنسیتی» یک نشانه معنادار است، دولت ترامپ در اصل، ایدئولوژی جنسیتی خود را در نقاب [مقابله با] ایدئولوژی [افراطی] ضد جنسیتی دنبال می‌کند.